

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)

فاطمه زاهدی*

چکیده

دین اسلام به امر به معروف و نهی از منکر، توجه ویژه‌ای داشته و نقش و جایگاه آن را در سلامت فرد و جامعه مهم دانسته است. از این رو با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و بیان آثار آن در آیات قرآن کریم و روایات پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) می‌توان دریافت که ترک و یا کوتاهی در این فریضه الهی، آثار منفی و مخربی در جامعه به دنبال دارد. لذا سعی شده در این پژوهش پس از مفهوم‌شناسی و بررسی محدوده معروف و منکر، به اهمیت و فلسفه آن و سپس به مراتب و شرایط و آداب امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر دیدگاه امام علی (ع) در این خصوص پرداخته شود و در پایان به پیامدهای منفی ترک این فریضه اجتماعی اشاره گردد.

کلیدواژگان: امر به معروف، نهی از منکر، فریضه اجتماعی، سلامت فرد، سلامت

جامعه

مقدمه

با توجه به اینکه انسان موجودی اجتماعی است، سرنوشت او نیز با سرنوشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند در ارتباط متقابل است و سود و زیان کارهایی که انجام دهد، به همان اندازه که در سونوشت او اثر می‌گذارد، جامعه را نیز متأثر می‌سازد. از این‌رو اسلام به عنوان یک دین جامع، برای سلامت جامعه و ایجاد محیط مناسب و زمینه‌های رشد و اجرای برنامه‌های دینی و سعادت‌بخش خود، مسئولیت مشترکی را برای اقشار مختلف جامعه مدّ نظر قرار داده تا هر کس حامی نیکی‌ها و نافی از بدی‌ها شود. حامی نیکی‌ها، «امر به معروف» و نافی از بدی‌ها «نهی از منکر» نامیده می‌شود. از نگاه اسلام جامعه بشری همانند کشتی است که در اقیانوس موج در حرکت است و همه مسافران موظفند در سلامت آن تلاش نمایند. همان‌گونه که هیچ یک از سرنشینان کشتی، حق ندارد کاری کند که کشتی به خطر افتد، افراد جامعه نیز نباید سلامت معنوی و رستگاری جامعه را با رفتار خویش و به بهانه‌های واهی به مخاطره اندازد.

امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک نظارت عمومی با هدف تأمین سلامت جامعه انسانی از طرف خداوند واجب شمرده شده است که خود نوعی دفاع از حقیقت است و این وظیفه، اختصاص به قشر خاصی ندارد، بلکه همه اقشار به اندازه توان خویش به عنوان تکلیف شرعی عهده دار آن هستند. چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی اسلام است که قرآن کریم با صراحت درباره آن سخن گفته است و پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) ابعاد آن را روشن ساخته‌اند و علمای دین در قرون متمادی درباره اهمیت آن سخن گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تاریخی به درازای خلقت آدم (ع) و نهی شدن از میوه ممنوعه دارد و پیامبران الهی همگی در این راه تلاش‌های فراوان کردند؛ از جمله پیامبر اسلام (ص) چنانکه قرآن کریم از ایشان با عناوین «بشارت دهنده» و «انذارکننده»

احزاب/۳۳ و ۴۵) یاد می‌کند. همچنین امام علی(ع) علیرغم مشغله‌های فراوانشان خود شخصاً به انجام این وظیفه می‌پرداختند و نمایندگان به شهرهای مختلف می‌فرستادند تا مردم را با معروف و منکر آشنا سازند؛ چنانکه رفاعه در اهواز و مالک اشتر در مصر مأمور اجرای امر به معروف و نهی از منکر بودند. ائمه معصوم (ع) (با اینکه به شدت از سوی حاکمان جابر زمانشان تحت فشار بودند) گاهی در قالب دعا و راز و نیاز با خدا (همچون امام سجاد(ع)) و زمانی با صلح (همچون امام حسن(ع)) و وقتی با قیام و ایستادن در برابر ستم (همچون امام حسین(ع)) به این امر حیاتی اهتمام می‌ورزیدند.

در طول تاریخ علمای اسلام نیز در قرون متمادی بر این مهم تأکید فراوان داشته‌اند و شرایط و آداب فقهی آن را شرح و توضیح داده‌اند؛ از میان آثار مکتوب و برجسته‌ای که مستقیم به این امر پرداخته‌اند، می‌توان به *اصول کافی*، *بحارالانوار*، *وسایل الشیعه*، *جواهر الکلام* و *تهذیب الاحکام* اشاره کرد. همچنین کتاب‌های مستقل فقهی و مقالات فروانی در مکتب اهل‌البیت (ع) نسبت به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، آداب و شرایط و آثار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی آن به رشته تحریر درآمده‌اند که همگی حاکی از اهمیت این فریضه دینی است.

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اساسی‌ترین فروع دین همواره مورد توجه بوده است، ولی متأسفانه نسبت به کاربردی نمودن این تکلیف همگانی و اجتماعی کمتر اعتنا شده است؛ در حالی که قرآن کریم، یکی از رسالت‌های انبیاء الهی را امر به معروف و نهی از منکر که بی‌شک مصداق بارز «بلاغ مبین» در آیه «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نور/۵۴) است، می‌شمارد و خداوند، هدف از فرستادن ۱۲۴ هزار پیامبر را «بشارت» و «انذار» دانسته که تعبیری دیگر برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر در آیه «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ اصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ

يَحْزَنُونَ» (انعام/۴۸) است و یا در خصوص رسالت رسول الله (ص) می‌فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» (بقره/۱۱۹) و ده‌ها آیه دیگر که همه بیانگر ضرورت و ارزش این فریضه الهی نزد خداوند است؛ چنانکه در عمل نیز انبیای الهی تمام هستی خویش را برای همین کار وقف نمودند.

مفهوم شناسی

«امر» در لغت به معنای «شأن» (آذرتاش، ۱۳۸۶: ۱۱۴) از مصدر «كَلَّفْتَهُ» به مفهوم «تکلیف کردی تو او را به انجام کاری» (اصفهانی، ۱۴۲۸: ۲۹) می‌آید. به عبارت دیگر، طلب و درخواست انجام کاری از دیگران یا واداشتن به کاری یا مطلق واداشتن کسی را به کاری امر گویند. باتوجه به این مفهوم، امر به معروف مطلق است، چه واداشتن دیگران به معروف با عمل باشد یا به زبان (مبلغ، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

«نهی» زجر و بازداشتن از چیزی معنا می‌دهد و در این موضوع بازداشتن دیگری از انجام کاری که می‌خواهد انجام دهد، چه با زبان باشد یا غیر زبان.

«معروف» از ماده «عَرَفَ» به معنای شناخته شده، مقبول عام، به رسمیت شناخته شده است و «منکر» از «نَكَرَ» به معنای شناخته نشده، رسمیت شناخته نشده، مردود، ناپسند، ناخوشایند و زشت را می‌دهد (اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ۵۳۰، ۷۱۴، ۷۱۶). راغب اصفهانی در معنای اصطلاحی آن می‌نویسد: «معروف، اسم برای هر عملی است که عقل یا شرع نیکویی آن را به رسمیت شناخته است و منکر، اسم برای هر کاری است که عقل یا شرع نیکویی آن انکار کرده باشد» (همان، ۳۴۴). طریحی در مجمع‌البحرین معروف را این‌گونه تفسیر کرده است: «معروف نام فراگیر برای همه چیزی است که مصداق اطاعت الهی و نزدیکی به خدا و خدمت و نیکی به مردم شناخته شده باشد» (طریحی، ۱۴۰۴: ۹۳/۵).

به این ترتیب، معروف و منکر تنها در محدوده عبادات و یا نیکی به مردم خلاصه نمی‌شود بلکه هر آنچه نیک و پسندیده باشد و با شرع و عقل منافات نداشته باشد، معروف است و هر آنچه چنین نباشد، منکر است و کیفیت و ترتیب آن و اینکه به چه شکلی مفید

و مؤثر افتد، از اموری است که شارع در اختیار عقل و فکر انسان گذاشته است (مطهری، ۱۳۸۶: ۹۸).

از آنجا که اسلام نخواستہ موضوع معروف و منکر را به امور معین محدود کند، از واژه عام «معروف» یعنی هر کار خیر و نیک و نقطه مقابلش «منکر» یعنی هر کار زشت استفاده کرده است (مطهری، ۱۳۶۳: ۱۵۹/۲). پس معروف، شامل همه واجبات و مستحبات می‌شود (البته امر به واجبات واجب و امر به مستحبات مستحب است) و منکر نیز شامل همه افعال حرام و مکروه می‌شود. امام خمینی (ره) در این باره می‌نویسد: «هریک از امر به معروف و نهی از منکر، به واجب و مستحب تقسیم می‌شود. پس هر چه که از نظر عقل یا شرع واجب، امر کردن به آن واجب است و هر چه که از نظر عقل، زشت یا از نظر شرع حرام باشد، نهی کردن از آن واجب است و هر چه که انجام آن پسندیده و مستحب است، امر به آن مستحب و هر چه انجام آن ناپسند و مکروه است، نهی از آن مستحب است» (خمینی، ۱۴۱۶ ق: ۴۲۸/۱).

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از نگاه حضرت علی (ع)

از منظر امام علی (ع)، امر به معروف و نهی از منکر، یکی از اصول مهم و ارزشمندی است که سایر ارزش‌های دینی و انسانی به آن وابسته است؛ چنانکه می‌فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلِّهَا وَالْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي»؛ همه اعمال نیک و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره‌ای بر دریایی مواج و پهناور است (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). در این بیان، حضرت علی (ع) همه کارهای نیک را به قطره یا رطوبت دهان و امر به معروف را به یک دریای پهناور و مواج تشبیه نموده است تا عظمت این فریضه را در مقابل دیگر اعمال نیک انسان‌ها مجسم نماید.

امام (ع) درباره اهمیت این دو فریضه الهی، از پیامبر خدا (ص) نقل می‌کند که فرمودند: «هدایت یک نفر برابر است با تمام آنچه که آفتاب بر آن می‌تابد». شاید برتری این دو فریضه بر سایر عبادت‌ها، در این باشد که قوام و استمرار همه خوبی‌ها در گروی برپایی این دو فریضه است؛ چه اینکه علاوه بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر، نوعی جهاد با نفس و زیاده‌خواهی‌های درونی است، رمز پیروزی مبارزه با مفسد بیرونی و دشمنان خارجی است؛ چرا که فرد و جامعه وقتی می‌توانند در نبرد با دشمنان خارجی به موفقیت

دست یابند که موانع و مفسد داخلی را در سایه امر به معروف و نهی از منکر، مهار و ریشه کن کرده باشند.

خداوند در قرآن کریم با تعبیر ظریف کسانی را که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و بر اهمیت آن پا فشاری می ورزند، «رستگاران» می خواند: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴) و در آیه دیگر، آنان را «بهترین امت» می خواند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران/۱۱۰) و به آن ترغیب می کند.

امیرمؤمنان (ع) این دو فریضه را از اوصاف خداوند خوانده و می فرماید: «وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٍ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ...»؛ همانا «امر به معروف» و «نهی از منکر» دو صفت از اوصاف خداوند است که نه اجل و مرگ را نزدیک می کنند و نه روزی را کاهش می دهند (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)؛ یعنی به امران به معروف و ناهیان از منکر، آسیبی نمی رسانند بلکه هر آنچه نصیب آنان و جامعه می شود، جز سود، آسایش، امنیت و راحت روان نخواهد بود.

چنان که امام باقر (ع) در روایتی می فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ»؛ امر به معروف و نهی از منکر، سیره انبیاء و روش صالحان، فریضه بزرگی است که دیگر واجبات به وسیله آن تحقق پیدا می کنند و در پرتو آن، راهها امن شده و کسبها در مسیر حلال و مشروع قرار می گیرند و از ستم جلوگیری شده و زمین آباد می گردد، حتی از دشمنان بازپس گرفته شده، امر دین قوام می یابد (کلینی، ۱۳۶۷: ۵/۵۶).

بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر از نظر اهمیت در عرض دیگر واجبات قرار نمی گیرد، بلکه عمل نیکی است که به برکت آن همه نیکیها رشد می کند و جامعه به سوی سعادت حرکت نموده و از فساد و تباهی نجات می یابد.

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر

امام علی(ع) در مورد فلسفه امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «وَ الْجِهَادُ عَزًّا لِلْإِسْلَامِ، وَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَوَامِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ»؛ (خداوند) جهاد را برای عزت اسلام، امر به معروف را برای اصلاح توده‌های ناآگاه و نهی از منکر را برای بازداشتن (بی‌خردان) از زشتی‌ها واجب کرد (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۲). اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، به گونه‌ای است که در جهان معاصر نیز مورد تردید روشنفکران قرار نگرفته، حتی کسانی که با علمای گذشته اختلاف دارند هم بر این اصل پافشاری کرده‌اند؛ چراکه بر اساس آموزه‌های دینی این دو فریضه افراد را به استفاده به جا و مناسب از حقوق مالی و فردی و اجتماعی ترغیب می‌کند و موجب قوام و دوام و سامان بخشیدن به نظام اجتماعی و اقتصادی و حتی نظام سیاسی جامعه می‌گردد.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

در فقه شیعی، برای اینکه این فریضه از یک سو به طور صحیح، کارایی خود را داشته باشد و از سوی دیگر، کمترین هزینه را در بر بگیرد، سه مرتبه کلی برای امر به معروف و نهی از منکر [از آسان به مشکل] در نظر گرفته است که هر مرتبه خود نیز دارای درجات و مراتب است و امر به معروف و ناهی از منکر چنانچه امر و نهی در مرتبه پایین‌تری مؤثر بیفتد، ورود به مرتبه بالاتر برای او جایز نیست. این مراتب عبارتند از: ۱- انکار قلبی؛ ۲- انکار زبانی؛ ۳- انکار به دست (اقدام عملی).

این مراتب در سخنان امام علی(ع)، به روشنی انعکاس یافته است، آنجا که می‌فرماید: «فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ، فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِيءٌ؛ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ، فَقَدْ أُجِرَ؛ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ...؛ فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ، فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ، وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ، فَذَلِكَ مُتَمَسِّكٌ بِخِصْلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُضَيِّعٌ خِصْلَةً؛ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَابِهِ، وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ، وَ ذَلِكَ الَّذِي ضَيَّعَ أَشْرَفَ الْخِصْلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدَةٍ؛ وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِانْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ، فَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ»؛ گروهی منکر را با دست و زبان و قلب انکار می‌کنند، پس آنان تمامی خصلتهای نیکو را در خود گرد آورده‌اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و

قلب انکار کرده و دست به کاری نمی‌برند، پس چنین کسانی دو خصلت از خصلتهای نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است. بعضی دیگر، منکر را تنها با قلب انکار کرده و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت شریف‌تر را تباه ساخته و یک خصلت را بدست آورده و بعضی دیگر منکر را با زبان و قلب و دست رها ساخته‌اند که چنین کسی مرده‌ای میان زندگان است (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

۱- انکار قلب (تنفر قلبی)

در مرحله نخست، انکار قلبی واجب است، چه شرایط موجود باشد یا نباشد؛ چنانکه صاحب جواهر می‌گوید: «انکار القلب یجب وجوباً مطلقاً لایتوقف علی أمن الضرر...» (نجفی، ۱۴۱۲ق: ۶۸۴/۷).

اصل احساس خوشنودی در قبال معروف و احساس نفرت در مقابل منکر، در فطرت هر مسلمانی نهفته و امری طبیعی است. اما این مسرت یا نفرت که اولین مرتبه و کم‌هزینه‌ترین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر است، برای برانگیختن دیگران و وادار کردن آنان به انجام کار نیک است؛ از این رو در فرهنگ اسلام سفارش شده که آمر به معروف، با چهره گشاده و ملایمت و دلسوزانه برخورد کند، به گونه‌ای که به دیگران بفهماند از انجام آن کار خشنود است و مایل است دیگران نیز همان کار را تکرار کنند. ناهی از منکر نیز باید با مشاهده کسی که کار زشتی از او سر زد چهره درهم کشیده و از آن کار بیزای و تنفر درونی خویش را اعلان نماید؛ به طوری که به آن فرد و دیگران بفهماند از انجام کار زشت ناخشنود است و هرگز مایل نیست دوباره تکرار شود؛ چنانکه امیر المؤمنین (ع) می‌فرمایند: «أمرنا رسولُ الله أن نلقى أهل المعاصی بوجوهٍ مكفهرهٍ»؛ رسول خدا (ص) به ما دستور داد که با گناهکاران با چهره عبوس برخورد کنیم (کلینی، ۱۳۶۷: ۵۹/۵) همچنین می‌فرماید: «أیها المؤمنون، انه من رأى عدواناً یعمل به مکرراً یدعی الیه، فانکره بقلبه فقد سلم و برئ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳).

چنانکه اشاره شد، امام علی (ع) رمز حیات یک ملت زنده را همان قیام و اقدام به رسالت بزرگ امر به معروف با زبان و قلب و دست دانست؛ از این رو، اگر ملتی به این رسالت پشت کنند، مردگانی خواهند بود در میان زندگان (عرفانی، بی تا: ۹۸).

اعراض و دوری کردن از محل گناه که خود مرتبه‌ای از این مرحله است، به صراحت در قرآن کریم مورد توجه و تأکید قرار گرفته است: «وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنسِينَكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین» (انعام/۶).

این آیه شریفه پیامبر(ص) را به روی گرداندن از مجالس آن چنانی، مأمور ساخته و این حکم شامل هر گروه و هر مجلس گناه می‌شود. علی(ع) در وصیت خود به امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید: «... وَ بَایِنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجُهْدِكَ»؛ با تلاش و کوشش، خود را از کسانی که اهل منکر هستند دور نگهدارید» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). پس اگر کسی توان امر به معروف و نهی از منکر را ندارد، باید از کسانی که مرتکب کارهای ناپسند می‌شود دوری نماید و مجلس معصیت را ترک کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۹۳/۲).

۲- انکار به زبان

گفتار، ساده‌ترین وسیله پیام‌رسانی به مخاطب است و انسان بدین وسیله بهتر می‌تواند با مخاطب خود ارتباط برقرار کند و دیگران را از منظور خویش آگاه سازد. ناگفته پیداست که این مرحله، گسترده‌ترین زمینه امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند نیز بیان را از ویژگی‌های اختصاصی انسان برشمرده و می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن/۵۵). همچنین امام علی(ع) در این خصوص می‌فرماید: «وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ، فَقَدْ أُجِرَ»؛ و به هر کس که با زبان منکر را انکار کند، پاداش داده خواهد شد (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳). از این رو، اساس امر ارشادی و تبلیغی بر این امر استوار است که نخست در جهت روشن‌سازی افکار مردم باشد و آنها را با حقایق اسلام آشنا نماید. تربیت و اصلاح نسل امروز نیز که سخت مورد حمله و هجوم افکار و عقاید گوناگون قرار گرفته، از مهمترین وظایف آمران به معروف و ناهیان از منکر است؛ چنانکه خداوند به پیامبر(ص) دستور می‌دهد با نمادهای منکر مبارزه ایدئولوژیکی نماید: «فَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِجِهَادٍ كَبِيرٍ» (فرقان/۲۵).

۳- انکار به دست (یا اقدام عملی)

اگر امر به معروف و نهی از منکر در مرحله شفاهی جواب نداد، نوبت به مرحله انکار با دست فرا می‌رسد؛ این تعبیر کنایه از «اقدام عملی و اعمال قدرت» برای اقامه معروف و انکار منکر است که خود نیز دارای مراحل است که دامنه آن از دور کردن منکرات و شکستن و نابود کردن ابزار معصیت تا برخورد فیزیکی و در نهایت مجروح ساختن یا قتل برای جلوگیری از منکر یا وادار نمودن به معروف گسترده است.

امام علی (ع) پس از بیان مراتب انکار می‌فرماید: «... وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لَتَكُونَ كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى، فَذَلِكَ أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ نَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْبَقِيْنَ»؛ کسی که با شمشیر [برخورد قهرآمیز] منکر را انکار کند تا کلمه خدا [ارزش‌ها و ملاک‌های خداوندی] بلندتر و کلمه ستمگران [شُرک و کفر و گمراهی] پست باشد، او راه رستگاری را یافت و نور یقین در قلب او خواهد تابید (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳).

البته نباید تصور کرد که این مرحله تنها به معنی برخورد قهرآمیز است؛ چنانکه استاد مطهری توضیح می‌دهد: «مرحله سوم، مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه‌ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می‌گذارد و نه می‌توانیم با منطق و بیان و تشریح مطلب او را از منکر باز داریم، بلکه باید وارد عمل شویم. چطور می‌توانیم وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست، البته نمی‌گوییم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود، بلکه مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار «حدّ» است، طرف دار «تغذیه» است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می‌رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری بیدار نمی‌کند و از کار زشت باز نمی‌دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همواره موارد سختگیری و خشونت است. حضرت علی درباره پیغمبر اکرم (ص) این چنین تعبیر می‌کنند: «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ» (همان)؛ یعنی او طبیب و پزشکی بود که بیمارها و بیماری‌ها را معالجه می‌کرد. بعد به اعمال اطبّا اشاره می‌کند که اطبّا هم مرهم می‌نهند و هم جراحی می‌کنند و گاهی داغ می‌کنند و می‌گویند: پیغمبر (ص) دو کاره بود؛ پزشکی بود که هم مرهم می‌گذاشت و هم جراحی و داغ می‌کرد. مقصود این است که کار پیغمبر (ص) همیشه لطف و

مهربانی بود. ابتدا از راه لطف و مهربانی معالجه و با منکرات مبارزه می‌کرد، اما اگر به مرحله‌ای می‌رسید که دیگر لطف و مهربانی اثر نمی‌بخشید، آن‌ها را به حال خود رها نمی‌کرد، اینجا بود که وارد عمل جراحی و داغ کردن می‌شد. هم مرحم‌های خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می‌کرد و هم آنجا که پای داغ کردن و جراحی در میان بود، به طور عمیق داغ می‌کرد و قاطع جراحی می‌نمود» (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷/۲۴۷). البته زمانی که حکومت اسلامی وجود دارد، اعمال قدرت برای جلوگیری از منکر باید به اذن حاکم شرع باشد؛ خصوصاً اگر موجب اخلال در نظم اجتماعی شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۴۶).

شرایط آمران به معروف و ناهیان از منکر

فقه‌های شیعه برای اینکه حرمت و کرامت انسان‌ها (هرچند انسان خاطی) محفوظ بماند، اجازه نمی‌دهند هرکس و هر جا و با هر شیوه‌ای امر به معروف و نهی از منکر کند، بلکه برای آن، شرایط و ضوابطی را وضع نموده‌اند تا از درگیری و تعرض به آبروی مردم جلوگیری شود. این شرایط عبارتند از:

۱- شناخت معروف و منکر

داشتن علم و آگاهی به موضوعات مختلف برای آمران به معروف و ناهیان از منکر امری ضروری است؛ زیرا بدون شناخت، راهنمایی دیگران میسر نمی‌شود. امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَانْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ، وَ بَيْنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ... وَ تَقَهَّ فِي الدِّينِ»؛ به نیکی‌ها (معروف) امر کن و خود نیکوکار باش و با دست و زبان بدی‌ها را (منکر) انکار کن و بکوش تا از بدکاران دور باشی... و شناخت عمیق خویش را نسبت به دین به کمال رسان (نهج/البلاغه، نامه ۳۱). البته نباید با در نظر گرفتن این شرط، مسلمانان را از قیام و اقدام به این دو فریضه واجب و بزرگ الهی که موجب بقاء دین و عزت مسلمین است بازداشت؛ چرا که فقهای ما همچون شهیدثانی فرموده‌اند: علم به معروف، شرط واجب است که با انتفاء شرط (علم) مشروط (معروف) ساقط نمی‌شود، مانند وضو نسبت به نماز، نه شرط وجوب که از انتفاء شرط مشروط منتفی شود، مثل استطاعت نسبت به حج. بنابراین عدم علم به معروف، موجب سقوط تکلیف نمی‌شود و با وجوب به معروف منافات ندارد، اما آنچه منافات دارد امر و نهی نمودن در

حال جهل و بی‌خبری است که در این صورت ممکن است قضیه نتیجه معکوس دهد (عرفانی، بی‌تا: ۴۸-۴۵).

۲- احتمال تأثیر

امر به معروف و نهی از منکر از تکالیفی است که برای واجب شدن آن احتمال تأثیر کافی است و لازم نیست مکلف علم قطعی به تأثیر داشتن آن پیدا کند (خمینی، ۱۴۱۶ق: ۴۲۹). این تکلیف زمانی ساقط می‌شود که یقین به بی‌فایده بودنش داشته باشیم که چنین فرضی نادرست است؛ چنانکه خداوند به حضرت موسی (ع) و هارون (ع) می‌فرماید: «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛ [تو و برادرت] به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است. اما به نرمی با او سخن بگویید، شاید متذکر شود یا (از خدا) بترسد» (طه/۴۴). پس امر به معروف تنها تکلیف بیانی یا زبانی نیست بلکه تکلیفی است که تحقق یافتن یا نیافتن آن، به اقامه شدن معروف‌ها و ازاله منکرات است. تا زمانی که معروف‌ها متروک و منکرها در حال انجام باشند، حتی اگر احتمال تأثیر هم وجود داشته باشد، همچنان تکلیف بر عهده همگان است؛ زیرا اگر چنین نباشد، آنچه درباره این اصل در روایات آمده، تحقق نمی‌یابد و این دو فریضه نمی‌تواند قطب دین و قوام شریعت به شمار آید. امام خمینی (ره) با اشاره به این نکته که امر به معروف و ناهی از منکر باید تشخیص دهد چگونه و با چه روشی «امر و نهی» خود را تأثیربخش سازد، راههای مختلفی را در این خصوص بیان می‌کند:

- اگر می‌داند که تنها با «تقاضا یا موعظه» می‌تواند به این هدف برسد، از این روش استفاده کند.

- اگر احتمال می‌دهد که «تکرار» تذکر، تأثیر خواهد داشت، باید امر و نهی را تکرار کند.

- اگر می‌داند که با اجازه به گناه کوچکتری، می‌تواند جلوی یک گناه بزرگتر را بگیرد؛ به گونه‌ای که مورد امر به معروف و نهی از منکر، از مواردی که می‌خواهد اجازه تخلف و معصیت بدهد، اهم باشد؛ مثلاً در حفظ جان مؤمن باید از این روش استفاده کند.

- اگر بداند که امر به معروف، هر چند در حال حاضر اثر ندارد، ولی برای آینده مؤثر خواهد بود، باید انجام دهد.

- اگر می‌داند نهی از منکر نه تنها باعث ترک منکر نمی‌شود بلکه موجب اسرار بر گناه می‌گردد و می‌داند که با «امر به منکر»، او منکر را ترک می‌کند، لازم است به جای نهی از منکر، امر به منکر کند.

فروع یاد شده نشان می‌دهد تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در افراد جامعه، شناخت زمینه‌ها و عوامل منکرات و نیز آگاهی از رواج خوبی‌ها بسیار ضروری است. به ویژه اینکه موفقیت در انجام وظیفه، در گرو شناخت دقیق اوضاع اجتماعی هر فرد و زمینه‌های خاص روانی که در او وجود دارد، است. از این رو پافشاری بر قالب‌های خشک امر و نهی ما را در رساندن به هدف والای این فریضه یاری نخواهد رساند.

۳- اصرار بر گناه

یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر آن است که گناهکار بر گناه خود پافشاری داشته باشد (خمینی، ۱۴۱۶ ق: ۴۳۱/۱). چه بسا اگر فرد گناهکار پس از عمل خلاف خود، تصمیم به کناره‌گیری و ترک گناه داشته باشد و آن اشتباه را ناخواسته انجام داده باشد، نهی او لازم نیست و چه بسا تأثیر منفی خواهد داشت (برهانی، ۱۳۸۶: ۱۹۶).

۴- خالی بودن از مفسده

اگر امر به معروف و ناهی از منکر بداند یا احتمال قوی بدهد که به واسطه امر به معروف و نهی از منکر، ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجهی متوجه خود او یا یکی از نزدیکان و دوستان او و سایر افراد جامعه می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست (خمینی، ۱۴۱۶ ق: ۴۳۳/۱) مگر اینکه اصل دین در خطر باشد که باید هر ضرری را برای دفاع از دین تحمل کرد؛ چنان که برخی از فقها گفته‌اند: «اگر بدعتی در اسلام رخ دهد و سکوت علما موجب زبونی و خواری اسلام و سستی عقاید مسلمانان گردد، در این صورت خاموش نشستن جایز نیست و بر علمای اعلام واجب است که به هر نحو ممکن از نادرستی‌ها نهی کنند؛ چه اینکه برای ریشه‌کن ساختن فساد مؤثر باشد یا نه... در اینجا ملاحظه ضرر و حرج نمی‌شود، تنها آنچه اهمیت بیشتری دارد، در نظر گرفته می‌شود» (عرفانی، بی‌تا: ۷۶).

امام حسین(ع) در وصیت نامه خود به برادرش محمد حنفیه، فلسفه و هدف قیامش را امر به معروف و نهی از منکر می‌خواند و در این راه به شهادت خود و جوانانش و اسارت زن‌ها و بچه‌هایش، ایثارگرانه تن می‌دهد؛ تا به جهانیان اعلام کند که باید به او اقتدا کنند و برای امر به معروف و نهی از منکر در موارد مهم هر گونه ضرر را به جان بخرند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۶۶).

آداب امر به معروف و نهی از منکر

از میان فرایض اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر تنها فریضه‌ای است که مشروط به تأثیر است. همه شرایط و مراتب و آدابی که برای اجرای این فریضه در نظر گرفته شده چیزی نیست جز کوشش در جهت مؤثر واقع شدن آن. بنابراین کسی که در پی امر به معروف و نهی از منکر است، باید طبیب‌وار منشأ درد بیمار خود را بشناسد و داروی مناسب آن را تجویز نماید و برای کارآیی آدابی را به کار بندد که اسباب موفقیت او را فراهم نماید. برخی از این آداب اختصاص به امر به معروف ندارند بلکه شامل بیشتر عرصه‌های زندگی نیز می‌شوند. امام علی(ع) با تأکید فراوان بر اصل این فریضه، همواره در پی آن بودند که با آموختن آداب آن، دیگران را از کج‌فهمی و برداشت ناصواب برحذر دارند و شیوه درست این فریضه را به مؤمنان بیاموزند. از این رو مهمترین آداب امر به معروف و نهی از منکر از منظر ایشان عبارتند از:

۱- پرهیز از تجسس

امر به معروف و نهی از منکر، ناظر به حقوق اجتماعی مسلمانان است و تنها در این حوزه کاربرد دارد. از این‌رو کشاندن آن به حریم خصوصی مردم جز مسخ این فریضه و آفریدن مشکلی بر ده‌ها مشکل دیگر نتیجه دیگری ندارد؛ قرآن کریم نیز می‌فرماید: «... وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبَّ بَعْضُكُم بَعْضًا...» (حجرات/۴۹). اساساً ترک معروف یا ارتکاب منکر، تا آشکارا نباشد کسی حق پیگیری و تجسس برای احراز آن را ندارد. امام خمینی(ره) در این باره می‌گوید: «اگر انجام‌دهنده منکر، جاهل به موضوع باشد، انکار او و رفع جهلش واجب نیست، مانند آن که نمازش را از سر غفلت یا فراموشی نخواند، اما جایی که مسئله حیاتی باشد به گونه‌ای که شارع راضی به ترک آن نیست مانند قتل نفس، واجب است امر به معروف و

نهی از منکر کرد» (خمینی، ۱۴۱۶ق: ۴۲۷/۱). بنابراین باید این تلقی نادرست را که امر به معروف و نهی از منکر گونه‌ای فضولی در کار دیگران و دخالت در امور شخصی افراد است، از ذهن دور ساخت.

اما در مورد سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی با توجه به اینکه فلسفه وجودی آنان تأمین مصالح عامه است، اساساً نظارت بر سازمانها تجسس محسوب نمی‌شود؛ زیرا تجسس به معنای کنجکاوی در امور شخصی افراد و دخالت در حریم خصوصی آنان است، حال آنکه در سازمان‌ها چیزی به نام حریم خصوصی وجود ندارد. از این‌روست که امام علی(ع) در نامه خویش به مالک اشتر پس از اینکه دستور می‌دهد تا کارگزارانش را بر اساس تقوا و شایستگی انتخاب کند، از او می‌خواهد کارهای زیردستان و کارگزاران خود را زیر نظر داشته باشد و با گماردن مراقبان ویژه، مانع تخلفات احتمالی آنان گردد؛ «و سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسی راستگو و وفایسته بر آنان بگمار که مراقب باشد و بازرسی پنهایی تو از کار آنان، سبب امانت داری و مهربانی با رعیت خواهد بود...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲- پرهیز از پرده‌داری

از آنجا که غرایز در انسان بالفعل و تربیت‌پذیری بالقوه است، چنانچه به خود وا گذاشته شود به کج‌روی افتاده و تحت‌تأثیر خواهش‌های نفسانی قرار می‌گیرد؛ چرا که در این مرتبه نفس بسیار نیرومند است و او را از حرکت برخلاف کشش‌های درونی بازمی‌دارد؛ چنانکه یوسف پیامبر(ع) از آن چنین یاد می‌کند: «وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم که نفس (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند مگر آنکه پروردگارم رحم کند، پروردگارم آمرزنده و مهربان است» (یوسف / ۱۲). به این ترتیب نه تنها ارتکاب فحشا، منکر است، بلکه شایعه و نقل و نشر آن نیز نوعی منکر به شمار می‌رود.

از این رو اگر کسی مرتکب گناهی شود مؤظف است آن را در خفا و پنهان انجام دهد و از تظاهر به آن (که گناه دیگر است) خودداری کند و دیگران نیز حق ندارد او را افشا کنند. امام علی(ع) پس از آنکه فرد مسلمانی به گناهی که موجب حد می‌شد، اعتراف کرد

خشمگین شدند و فرمودند: «چه قدر زشت است که یکی از شما مرتکب اینگونه فحشا می‌شوید، سپس در برابر همگان خود را رسوا می‌کنید؛ چرا در خانه‌اش توبه نکرد! به خدا سوگند توبه‌اش میان خود و خدا برتر از اجرای حد بر او و به وسیله من است». از این رو نه تنها مرتکبان گناه حق تظاهر به معصیت را ندارند که دیگران نیز حق ندارند گناه پنهان را آشکار و عیان سازند و آن را منتشر کنند.

بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر به دنبال پایبندی و رعایت اصول اخلاقی اجتماعی است. بر این اساس هرگونه پرده‌داری و افشاگری گناهان پنهانی خود، نوعی منکر و موجب مجازات است. کسی که در پی عیب‌جویی این و آن است مانند کسی است که بر گندابی می‌نشیند و آن را بر هم می‌زند تا بوی بدش رهگذاران را بیازارد. منطبق امر به معروف و نهی از منکر این است که گنداب را بپوشاند یا اصلاح نماید. امام علی(ع) با اشاره به این مسئله می‌فرماید: «عیب‌ناکان، دوستدار پخش معایب مردمند تا عذری برای عیب‌ناکی خود فراهم آورند». بنابراین نه تنها نباید به نام امر به معروف پرده‌داری کرد که یکی از معروف‌ها ستر عیوب و پرده‌پوشی تا حد ممکن است.

۳- پرهیز از دشنام

برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر نباید فراتر از حدود شرع رفت و به خاطر آن واجب دیگری را فرو گذاشت و به خاطر جلوگیری از منکری، محرمات دیگری را مرتکب شد؛ یکی از محرمات رایج در اجرای این فریضه بدزبانی و دشنام است؛ منطبق قرآن و دستور خداوند به حضرت موسی و هارون(ع) (طه/۱۲) در این زمینه می‌تواند راهنما و معیار هر مسلمان باشد. قرآن کریم حتی دشنام به مشرکان را درست نمی‌شمارد و از آن نهی می‌کند (انعام/۶).

هدف از امر به معروف و نهی از منکر، نفوذ در دل‌ها و برانگیختن مردم برای اقامه معروف و نیکی‌ها و از میان برداشتن منکرات و بدی‌ها است، حال آنکه دشنام، مانع از نفوذ در قلب‌ها و سد راه این هدف است. از این رو در منظومه فکری امام علی(ع) نیز جایی برای دشنام دادن وجود ندارد و حتی هنگامی که حضرت در جنگ صفین دید یارانش به لشکریان معاویه دشنام می‌دهند، آنان را از این کار منع کرد و برحذر داشت.

۴- رفق و مدارا

منظور از رفق، ملایمت و مدارا با گناهکاران است. هدف این است که آمران به معروف و ناهیان از منکر، با نرمی و مدارا بکوشند خطاکار را از مسیر انحراف باز داشته و دلسوزانه او را راهنمایی کنند؛ زیرا هنگامی امر به معروف و نهی از منکر تأثیرگذار است که شیوه همدمی را برگزیده و تارک معروف را همچون بیماری بدانیم که نیازمند کمکهای ماست. امام علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمودند: «نباید امر به معروف و نهی از منکر کند جز آنکه این سه صفت در او باشد: در آنچه امر و نهی می‌کند رقیق باشد، به آنچه امر و نهی می‌کند به عدالت رفتار کند، به آنچه امر و نهی می‌کند عالم باشد» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳: ۳۶۸/۱). همین مضمون از امام صادق (ع) نیز نقل شده است (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۳۰/۱۶). واژه کلیدی «رفیق» در گفتار معصومان (ع) فراوان به کار رفته است؛ به عنوان نمونه، امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفِيقَ»؛ خدوند رقیق است و رفاقت را دوست می‌دارد (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۱۸/۲). همچنین - امیرالمؤمنین (ع) از مالک اشتر می‌خواهد: «با خطاکران، مهربانانه برخورد کن و بر آنان آسان گیر و آنچه را که شایسته بخشش است ببخش تا آنگونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۵- صبر و بردباری

مسائل اجتماعی براینده عوامل بسیاری است که همگی در طول زمان شکل می‌گیرد. امر به معروف، یکی از اموری است که با اجتماع و افکار و سلیق مختلف در ارتباط است و بی‌شک بدان جهت که امری مهم و دشوار است، فراوان طالب صبر و تحمل است؛ از این رو، آمران به معروف و ناهیان از منکر برای تحقق اهداف این فریضه الهی باید صبورانه و پیگیرانه به کار خود ادامه دهند و با نتیجه نگرفتن از کارشان زود ناامید نشوند؛ به همین جهت امام علی (ع) به فرزندش اما حسن (ع) توصیه می‌کند: «در امر به معروف و نهی از منکر، خود را به سختی عادت ده و در این کار صبور باش» (همان، نامه ۳۱).

اساساً اثربخشی این فریضه در آن است که از حالت موقت و گذرا خارج شده و شکل مستمر و متنوع به خود بگیرد تا به تدریج معروف جایگاه درست خود را بازیافته و منکر

از سطح جامعه رخت بریندد. به راستی اگر این فریضه، صرفاً به خاطر خداوند و همراه با خلوص نیت، انجام گیرد بی تردید ثمربخش و کارآمد خواهد بود و هرکاری که خلوص در آن نباشد، بی اثر و ابتر خواهد ماند. داستان مبارزه علی(ع) در جنگ احزاب با عمرو بن عبدود و اخلاص آن حضرت (ع) در این خصوص برای ما الگوی روشنی است (مطهری، ۱۳۶۳: ۱۵۹/۲).

پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های دینی، باعث سلامتی دنیا و آخرت انسان‌ها (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۵۳/۳) و در واقع ضامن اجرای وظایف فردی و اجتماعی است و چنانچه این دو فریضه به فراموشی سپرده شوند و نسبت به آنها بی توجهی صورت گیرد، پیامدهایی را در پی خواهد داشت که برخی از آنها عبارتند از:

۱- تسلط بدان و اشرار

امام علی(ع) پس از حادثه ضربت خوردنشان، در نامه‌ای نسبت به فروگذاری این فریضه هشدار داده و می‌فرماید: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّيَ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ؛ امر به معروف را وامگذارید که بدان بر شما مسلط می‌شوند، آنگاه هرچه خدا را بخوانید جواب ندهد» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). به همین مضمون حدیثی از امام رضا(ع) نقل شده که می‌فرماید: «وقتی اشرار مسلط شد، خوبان آنان هرچه دعا [برای نجات از شر بدان] کنند به اجابت نمی‌رسد» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۱۶/۱۶). چنانکه پیامبر خدا (ص) نیز فرمودند: «فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ وَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» (نهج الفصاحه، ۱۳۷۹: حکمت ۲۱۸). با مطالعه سرگذشت جوامع مختلف به راحتی می‌توان مشاهده کرد آنهایی که نسبت به منکرات بی تفاوت بودند و این فریضه را ترک گفتند، چنان شد که بدان بر آنان مسلط شدند.

استاد مطهری، مفهوم عدم اجابت را اینگونه توضیح می‌دهد: «معنایش این است وقتی امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند آن قدر پست می‌شوند، آن قدر رُعبشان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می‌رود که وقتی به درگاه همان ظَلَمَه می‌روند، هرچه ندا می‌کنند به آنها اعتنا نمی‌شود. پیغمبر(ص) فرمود: اگر می‌خواهید عزت داشته باشید و

دیگران روی شما حساب کنند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. اگر امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشید، اولین خاصیت آن ضعف شماسست، پستی و ذلت شماسست، دشمن هم بر روی شما حساب نمی‌کند. آن وقت مثل یک برده و بنده، هرچه التماس کنید کسی جوابتان را نخواهد داد» (مطهری، ۱۳۶۳: ۲۱۶).

۲- سقوط و انحطاط اجتماعی

علی (ع) در مورد انحطاط اجتماعی ناشی از امر به معروف می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ، فَلَا مُنْكَرَ مُغَيِّرٍ، وَ لَا زَاجِرَ مُزْدَجِرٍ؛ أَفِيْهَذَا تُرِيْدُونَ أَنْ تُجَاوِرُوا اللَّهَ فِي دَارِ قُدْسِهِ، وَ تَكُونُوا عَزَّ أَوْلِيَاءَهُ عِنْدَهُ؟ هِيَآت! لَا يُخْدَعُ اللَّهُ عَنْ جَنَّتِهِ وَ لَا تُتَالُ الْعَالَمِينَ بِهِ»؛ فساد آشکار شد، نه کسی باقی مانده که کار زشت را دگرگون کند و یا از نافرمانی و معصیت باز دارد، شما با چنین دستاوردی می‌خواهید در دار قدس خدا و جوار رحمت پروردگاری قرار گیرید؟ و نزد وی از گرامی‌ترین دوستانش گردید؟ هرگز! به خدا و بهشت او افسوس نتوان کرد. خشنودی او را جز به اطاعت، به دست نتوان آورد؛ نفرین خدا بر آنان که به معروف فرمان می‌دهند و خود آن را ترک می‌کنند و از منکر بازمی‌دارند و خود آن را به جا می‌آورند (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹). پس جامعه‌ای که در آن امر به معروف نباشد و یا آمران، خود گرفتار انجام منکرات باشند، سقوط و انحطاطش حتمی است.

۳- تباهی دنیا و آخرت

مولای متقیان علی (ع) کسانی که این فریضه الهی را ترک گفته‌اند، همانند مردگانی که در میان زندگانند، خوانده و می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ مَا تُغْلِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْجِهَادِ، الْجِهَادُ بِأَيْدِيكُمْ ثُمَّ بِالْسِنَتِكُمْ ثُمَّ بِقُلُوبِكُمْ، فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ مَعْرُوفًا وَ لَمْ يُنْكَرْ مُنْكَرًا، قَلْبٌ فَجَعَلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ»؛ اولین مرحله از جهاد که از آن بازمی‌مانید، ابر اثر بدبختی و دورماندن از رحمت الهی [جهاد با دستهای شما] چراکه با کفار نمی‌جنگید و حدود خدا را بر فاسقان و ستمکاران و گناهکاران اجرا نمی‌کنید و آنها را تعزیر نمی‌کنید. سپس در جهاد با زبان، آنگاه در جهاد با قلبهای تان است [که با ستمکاران و بدکاران دوستی و احترام نموده و با

پرهیزگاران و نیکان تهیدست بی‌اعتنایی و دوری می‌کنید، پس در این هنگام کار دین تمام است. چون جهاد با دست و زبان اگر ممکن نباشد همه کس توانایی جهاد با دل را دارد [هرچند نتواند آن را آشکار کند] پس کسی که به قلب معروفی را شناخت و منکر و عمل ناشایسته را انکار نماید، قلبش واژگون گشته، بالای آن پایین و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت (همان، حکمت ۳۷۵)؛ یعنی در دنیا آسایش نداشته و سرگردان می‌شود و در آخرت نیکبختی را از دست داده به کیفر همیشگی گرفتار می‌گردد.

نتیجه گیری

به این ترتیب می‌توان گفت فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از آموزه‌های اساسی دین مبین اسلام، همواره در قرآن و سیره نبوی و کلام علوی جایگاه رفیعی دارد و به همه ابعاد و مراتب و آثار آن در آیات و روایات ائمه (ع) و الگوی عملی زندگانی علی (ع) و بیانات شیوا و فصیح ایشان در نهج البلاغه پرداخته شده است. امر به معروف و نهی از منکر در راستای تحقق جامعه اسلامی ایده‌آل و الهی و به منظور فراهم آوردن زمینه‌های رشد و تعالی جامعه لازم و فرض بوده و همان امر به همه نیکی‌های فردی و اجتماعی و بازداشتن از مفاسد در همه عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است. شکی نیست که اگر بر این فریضه الهی با توجه به آداب، شرایط و مراتب آن جامعه عمل پوشانده شود، افزون بر اینکه اصلاح فرد و جامعه را فراهم می‌آورد، دهها اثر و برکت از جمله امنیت، رفاه، آرامش، سلامت، طول عمر، همگرایی، دلسوزی، محبت و بالندگی و... را نیز برای فرد و جامعه در پی دارد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۰.
۳. نهج الفصاحه، ترجمه مرتضی فرید تنکابنی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱۵، ۱۳۷۹.
۴. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر (عربی-فارسی)، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۵. تمیمی المغربي، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیض، بیروت: دارالتعارف، ۱۳۸۳ق.
۶. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۸ق.
۷. برهانی، محمدجواد، سیره اجتماعی و سیاسی پیامبر اعظم (ع)، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۸. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم: نشر مورخ، ۱۳۸۶.
۹. حر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع) الاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۱۰. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۱۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، ایران، مکتب اشرفیاد، الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۱۲. عرفانی، قربانعلی، امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، بی جا، بی تا.
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۴. -----، فروع کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم: انتشارات فقه، ۱۳۴۷ق.
۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، تحقیق محمد اسکندری، مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۱۷. -----، پند جاوید، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
۱۸. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۶.

۱۹. -----، ده گفتار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۶.
۲۰. -----، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۳.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۲. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: مؤسسه المرتضی فی العالمیه، ۱۴۱۲ق.